

تجارت عصر صفوی در طول قرن هفدهم: مبادلات اقتصادی ایران^۱

کانر جی. همل^۲

مترجمان: حسین محمدی^۳، حمیدرضا خاوری^۴ و نگین خاوری^۵

چکیده

در قرن هفدهم در الگوهای تجارت جهانی تغییرات زیادی به وجود آمد. این نوسانات الگوهای تجارت منجر به ایجاد تکاملی در اقتصاد، سیاست و گرایشات اجتماعی شد، به گونه‌ای که به هیچ عنوان در گذشته مشاهده نشده بود. در واقع محصول و نتیجه‌ی این گرایشات به سمت ضرورت اقتصاد درست جهانی، نشانه گرفت. سندیت این اتفاق کاملاً بی طرفانه به ثبت رسیده است. چنان که از آن به عنوان تسریع کننده‌ی^۶ تغییر یافتن تمدن‌ها در هر گوشه‌ی جهان، استفاده می‌شود. در این دوره‌ی بحرانی بود، که برای اولین بار اساس عبارات‌هایی نوین مانند "جهانی کردن" و "متصل کردن اقتصاد جهانی"، بنا شد. در اصل، گروهی منتخب از قدرت‌های صنعتی غربی، افزایشی در میزان مطالبه و مصرف تجربه کردند، که در نتیجه‌ی آن افزایشی در تولید و حمل و نقل کالا و منابع از شرق به وجود آمد. واضح است که این دست آورد های بزرگ برنامه ریزی شده و برنامه ریزی نشده بودند، که این نظام ذاتاً نامتعادل را مانند کولونیاالیسم^۷، کاپیتالیسم^۸، ایمپریالیسم مدرن^۹ و ناسیونالیسم^{۱۰} را متوقف کردند. با وجود وسعت جهانی این توسعه‌ها، عده‌ی بسیار کمی از نشریات برای نقشی که اقتصاد ایران در عصر صفویه در این نظام پیچیده، ایفا کرده است، مدارکی مستند ارائه می‌دهند. در نتیجه‌ی افکار سنتی تصویری نادرست مبنی بر آن که تأثیر اقتصادی ایران در عصر صفویه در کمترین حالت قرار داشت، به بار آورد. هدف این مقاله تکذیب این فرضیه در سه بخش است. در ابتدا نقشی که اقتصاد صفویه، خود، در توسعه‌ی سریع نظام اقتصادی ایفا کرد، بررسی می‌شود. دوم، این مقاله منابعی را که بر روابط اقتصادی میان امپراتوری مغول‌ها، اروپا و امپراطوری صفویه در طول این زمان توجهی دقیق دارند را بررسی خواهد کرد. در آخر، این مقاله مسیر تجارت را در حمل و نقل کالاها و خدمات، در داخل و خارج از ایران، بررسی خواهد کرد.



^۱ این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله «Middle Eastern Communities and Migrations Student Research Paper Series. 6» (2017). Safavid Trade During the 17th Century: Iran's Transit Economy. .

^۲ استاد دانشگاه جیمز مدیسون آمریکا hamelcj@dukes.jmu.edu

^۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران h.mohammadi@khu.ac.ir

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی تهران

^۵ دانشجوی کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

^۶ مترجم: در متن اصلی از واژه‌ی catalyst استفاده شده، که در معنای لغت نامه‌ای تحت عنوان تسریع کننده‌ی واکنش‌های شیمیایی آمده است.

^۷ مترجم: بردگی فرهنگی و خود بردگی

^۸ مترجم: نظام سرمایه داری، کاپیتالیسم یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره مندی اقتصادی در بازارهای رقابتی استفاده می‌شود.

^۹ مترجم: ایمپریالیسم به نظامی گفته می‌شود که به دلیل مقاصد اقتصادی و یا سیاسی می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین‌ها و ملت‌ها و اقوام دیگر را زیر سلطه‌ی خود درآورد. ایمپریالیسم مدرن که استعمار نو شکل عمل آن است، به معنای وضعیتی است که در آن کشوری با داشتن استقلال سیاسی از دستن اندازی و دخالت کشوری دیگر یا عوامل آن آسیب ببیند و این رابطه ممکن است دنباله‌ی رابطه‌ی استعماری گذشته میان دو کشور نباشد و قدرت نوحاسته‌ی آن را پدید آورد.

^{۱۰} مترجم: مکتب ملی‌گرایی.

بخش اول

به گفته‌ی رودی ماتی^۱، مورخ برجسته‌ی دوران صفوی "هنگامی که بازده اقتصادی ایران ناشناخته و به احتمال زیاد غیر قابل شناخت است، آشکار است که سهم آن در فعالیت‌های اقتصادی جهانی نسبت کم بوده است." ^۲ هرچند این قضیه نباید بر آن دلالت داشته باشد که، تأثیر ایران در عصر صفویه به گونه‌ای بی ربط و یا معدوم بوده است. این مسئله به دلیل یک اصل ساده است که: ایران در عصر صفوی از قرابت جغرافیایی حیاتی میان شرقی که تولیدکننده‌ی عمده و اروپای گرسنه‌ای که مصرف کننده است، برخوردار بود. نخستین دلیلی چرا تأثیر اقتصادی ایران در عصر صفویه ممکن است در مقایسه با ایالت‌ها و امپراطوری‌های ملت‌های بزرگ‌تر کم‌رنگ در نظر گرفته شده باشد، این است که اقتصاد در مضمون تجاری عمل نکرد. آنگاه که اقتصادهای تجاری تر از تعادل بیشتری میان تعداد کالاهای وارداتی و صادراتی (و معطوف شدن به آن) برخوردار شدند، اقتصاد ایران در عصر صفوی به طور نسبی در زمینه‌ی این جوانب اصلی، نامتعادل بود. استفاده از واژه‌ی "نامتعادل" لزماً به معنای ناپایداری و یا ضعف نیست، اما به بیان دقیق‌تر ارائه‌ی راهی منحصر به فرد در زمینه‌ی هر آنچه در جایگاهی که اقتصاد عصر صفویه به طور کلی در نظام اقتصادی جهانی بزرگ‌تری قرار داشت، می‌باشد. ایران در عصر صفویه رشدی اقتصادی توسط سرمایه‌گذاری در حمل و نقل تجاری و یا همکاری تجاری، با عبور کالاها و خدمات از طریق مسیری مورد تأیید و تحت نظارت و رسیدن آن‌ها به مقصد نهایی، ایجاد کرد. منطقه‌ی جغرافیایی که این مقاله به آن خواهد پرداخت در پایین تصویر شماره ۱ یک مشخص شده است. آنچه که نقشه به تصویر کشیده است، بخشی از مجموعه‌ی نقشه‌های کتابخانه‌ی پری کاستانیدا^۳ در دانشگاه تگزاس است. این نقشه جزئیات تصویری فوق العاده‌ای را قید می‌کند چنان که مرکزیت ایران را میان شرق و بازیگران بزرگ غربی، نشان می‌دهد. همچنین این نقشه شیوه‌های تجاری کهن را، که در بخش‌های بعدی این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است، قید می‌کند.



۱- مترجم: رودی ماتی (rudi mathee) پروفیسور تاریخ در دانشگاه دلاواریه از سال ۱۹۹۳ است. زمینه کاری او تاریخ سیاسی و اجتماعی-سیاسی ایران و خلیج فارس در اوایل دوره جدید (رنسانس) است.

۲- رودی ماتی "اقتصاد عصر صفویه به عنوان بخشی از اقتصاد جهانی" در ایران و جهان در عصر صفویه، ویراستاری شده توسط ویلم فلور (Willem Floor) و ادموند هرزیگ (Edmund Herzig). (London: I.B. Tauris, 2012), 31.

۳- مترجم: کتابخانه پری کاستانیدا (Perry-Castañeda Library) کتابخانه مرکزی سیستم کتابخانه‌ای دانشگاه تگزاس در آستین است. سیستم کتابخانه این دانشگاه با بیش از ۹ میلیون عنوان کتاب ششمین سیستم بزرگ کتابخانه‌ای در میان دانشگاه‌های آمریکا محسوب می‌شود.

تصویر شماره‌ی یک: مسیر تجارت جهانی

چندین عوامل مشارکتی در نتیجه‌ی ساختار نامتناسب نسبی اقتصادی ایران در عصر صفویه وجود دارد. برای مثال، به نقل از مارتی " در دوره‌های بازدهی اقتصادی، ایران، با جمعیت کوچک و منابع محدودش از بسیاری از مناطق پرجمعیت در جنوب و غرب آسیا عقب ماند " با این حال، علی‌رغم داشتن جمعیتی به اندازه‌ی تقریبی ده میلیون نفر، موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان " مرکز بازرگانی حیاتی برای شماری از کالاها " ^۱ به کار رفت. این مسئله صادرات ابریشم به غرب، از راه خشکی و تجارت تعداد زیادی مصرف‌کننده‌ی کالاها از هند و جنوب شرق آسیا به سمت غرب، از راه دریا، و عبور فلزهای قیمتی به سمت شبه قاره‌ی هند را در برمی‌گیرد. ^۲ بر اساس این ملاحظات بسیار مهم است که محرک‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، میان غرب و جنوب آسیا در طول این دوره، به عنوان یک پیوستگی مرتبط " و نه به عنوان یک " نهاد سیاسی مجزا و خودکفا " ^۳ را بشناسیم. بنابراین، پیش از بررسی بخش‌های خاصی از شواهد تعیین شده، باید مفهومی بررسی شده که مبادلات اقتصادی دوره‌ی صفویه را به عنوان اقتصادی که نسبت به عقیده‌ی قبلی تأثیر خیلی بزرگ‌تری بر توسعه‌ی اقتصاد جهانی می‌داند را بپذیریم. ^۴

بخش دوم

یکی از شیوه‌های مبادلات اقتصادی که می‌تواند به عنوان بهترین مثال برای این " پیوستگی مرتبط " باشد، می‌تواند تجارت و نقل و انتقال شمش‌های طلا و نقره و ابریشم باشد. مهم است دوباره خاطر نشان کنیم که " واقع شدن ایران در تقاطع میان عثمانی و سرزمین مغول‌ها، در میان این جریان مستقیم قرار می‌گیرد " ^۵ برای درک بهتر این جریان، در ابتدا باید نقش و ابعاد رابطه‌ی میان اقتصاد مغول‌ها، اروپایی‌ها و صفوی‌ها را در مضمونی اساسی بررسی کنیم. نمای صادرات مبادلات اقتصادی در عصر صفوی، به طور عمده در زمینه‌ی تجارت ابریشم مرکزیت داشت. ابریشم به عنوان کالایی بسیار با ارزش، به خصوص در امپراطوری عثمانی و منطقه‌ی مدیترانه‌ی غربی، به شمار می‌آمد. در مبادلات ابریشم، ایران به خوبی، سیل قابل ملاحظه‌ای از طلا و شمش‌های نقره از جانب غرب و شمال روسیه دریافت کرد. ^۶ اکثر تولیدات ابریشم ایران، در نقاط نزدیک دریای خزر انجام می‌گرفت. ^۷ هرچند، مناطق اطراف دریای خزر همیشه تحت نظارت امپراطوری صفوی نبودند. در طول دوران سلطنت شاه عباس (۱۵۸۸-۱۶۲۹) تصرفات صفویه در گیلان، مازندران و جلفا، منجر به مهاجرت اجباری



1 - Mathee, "The Safavid," 31.

2 - Mathee, "The Safavid," 31.

3 - Mathee, "The Safavid," 32.

4 - Rudi Mathee, "Between Venice and Surat: The Trade in Gold in Late Safavid Iran," *Modern Asian Studies* 34, no. 1 (February 2000): 223, accessed October 12, 2016,

<http://uw8rw3ad9q.search.serialssolutions.com/?genre=article&issn=14698099&title=Modern%20Asian%20Studies&volume=34&issue=1&date=20000201&title=Between%20Venice%20and%20Surat%3A%20The%20trade%20in%20gold%20in%20late%20Safavid%20Iran.&spage=223&pages=223-255&sid=EBSCO:Historical%20Abstracts&aulast=Mathee,%20Rudi>.

5 - Mathee, "The Safavid," 31

6 - Mathee, "Between Venice," 223.

7 - Mathee, "Between Venice," 228.

8 - Linda K. Steinmann, "Shah 'Abbas and the Royal Silk Trade 1599-1629," *Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies)* 14, no. 1 (1987): 68, accessed February 11, 2017, <https://www.jstor.org/stable/pdf/194456.pdf>.

ارمنی‌ها به سمت اصفهان شد.^۱ سپس، شاه عباس شروع به استفاده‌ی وسیعی از یهودیان اهل ارمنستان، در جهت توسعه‌ی مؤثر در امر تجارت ابریشم دوره‌ی صفویه به سوی مناطق اقتصادی و کلان شهرها در تمامی نقاط آسیا و اروپا، نمود. به خصوص در زمینه‌ی جلفا، ویرانی‌هایی به دست شاه عباس در دوره‌ی جنگ میان صفوی‌ها و عثمانی‌ها از ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۵ که در ادامه‌ی آن به مهاجرت اجباری ملت بومی ارمنستان، در جهت برانگیختن جلفای نو، منجر شد، نوعی بازرگانی پرثمری در اطراف اصفهان انجام گرفت.^۲ جلفای نو خیلی زود به دلیل تولیدات ابریشم شهره شد و توجه شاه عباس را به سمت خود جلب کرد و شاه به ارمنی‌های جلفا حق امتیاز معاملات را اختصاص داد. به یقین این حق امتیاز معاملات بود که جلفای نو را به سمت "رده‌های بالای موفقیت اقتصادی"^۳ سوق داد. در رابطه با معاملات ماتی بیان می‌کند "منبعی جدید نشان می‌دهد، که روسی‌ها مجبور بودند نیمی از یک سوم درآمد کالاهایی که تحت عنوان سکه‌های طلا و نقره از ایران دریافت می‌کردند را پرداخت کنند.^۴ می‌توانیم از این اطلاعات این مفهوم را استنباط کنیم، که ایران در عصر صفوی تجارتی مازاد را با بازیگران بزرگ شمال و غرب برقرار کرد. هرچند، نمی‌توان مشابه این قضیه را در زمینه‌ی روابط بازرگانی با همسایگان آن‌ها در غرب و جنوب شرقی بیان کرد. بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در عصر صفویه، در ناحیه‌ی شرق امپراطوری مغول‌ها در هندوستان بود. به طور نسبی، اقتصاد هندوستان تحت سلطه‌ی امپراطوری مغول‌ها، سهام متنوع بسیار زیادی در زمینه‌ی واردات و صادرات نسبت به مبادلات اقتصادی ایران در عصر صفویه داشت. برای مثال، در طول قرن هفدهم، اسب‌ها، میوه‌ها، شاهین‌ها، مرجان‌ها، خز سمور، پرنندگان، کت‌های خز دار سفید، آینه‌ها، مس و آهن، به تنهایی از واردات عمده‌ی مغول‌ها از سمت آسیای مرکزی و روسیه بودند.^۵ همچنین در رابطه با صادرات، مغول‌ها در زمینه‌های تعداد و انواع کالاها و خدمات صادراتی، جای صفوی‌ها را پرکردند. بخش عمده‌ی صادرات مغول‌ها متشکل از تولید کالاهایی در جهت مطالبات اروپایی‌ها و دیگر مناطق بود. برخی از این کالاهای تولید شده، لباس‌های نخی، رنگ نیل^۶، برگ تنباکو، ادویه‌ها، تریاک، شکر، لباس‌های ابریشمی، نخ، نمک، مهره، بوره^۷، زردچوبه، لاک^۸، موم^۹، و انواع فراوان مواد مخدر را در برمیگرفت. بنابراین، تفاوت‌های میان دو اقتصاد، در مقیاس بزرگ‌تر، می‌تواند در زمینه‌ی دسترسی‌های وسیع و گوناگون ایجاد شده توسط مغول‌ها و فرمانروایان صفوی در آن زمان، بررسی شود. به نقل از استفن دیل^{۱۰} "برای فرمانروایان مغول، همین به دست گرفتن توانایی اداری پر قدرت اقتصاد آزاد در زمینه‌ی کسب و تجارت، که به آن‌ها این امکان را می‌داد که هر آنچه در اصل تحت عنوان سیاست اقتصادی

1- 10 Steinmann, "Shah 'Abbas," 71.

2- Sebouh David Aslanian, *From the Indian Ocean to the Mediterranean: The Global Trade Networks of Armenian*

Merchants from New Julfa (Berkeley: University of California Press, 2011), 23, accessed March 30, 2017,

<http://www.jstor.org/stable/10.1525/j.ctt1pp9cg.8>.

3- Aslanian, *From the Indian Ocean*, 42.

4- Mathee, "Between Venice," 228.

5- Muzzafar Alam, "Trade, State Policy and Regional Change: Aspects of Mughal-Uzbek Commercial Relations, C.1550-1750," *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 37, no. 3 (1994): 208, accessed October 12, 2016, DOI:10.2307/3632256.

۶- مترجم: در گذشته، نیل به صورت طبیعی از گیاهان گرفته می‌شد و این فرایند از نظر اقتصادی بسیار مهم بود، چرا که رنگ آبی بسیار کمیاب بود. اما امروزه، هزاران تن نیلی که سالانه تولید می‌شود، به صورت مصنوعی به دست می‌آید. رنگ آبیی شلوارهای جین از نیل است.

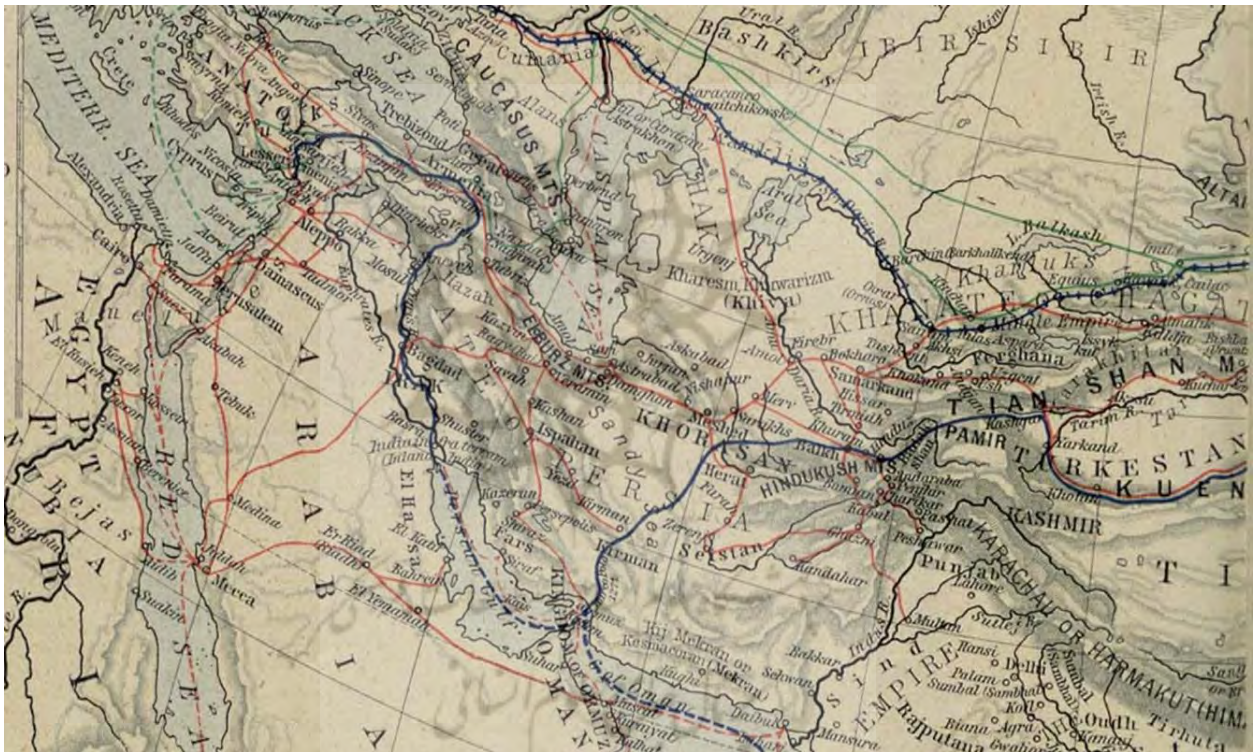
۷- مترجم: بوره که نمک ایرانی نیز نامیده می‌شد در ایران و خاورمیانه قدیم بیشتر توسط زرگران به کار می‌رفت. بوره را نمک تلخ مزه‌ای توصیف می‌کردند که از آب دریاچه‌های آسیا و چین و تبت و هندوستان گرفته می‌شد. بوره ارمنی، بوره سفید و بوره سلمانی از انواع آن بود.

۸- مترجم: ماده‌ی انگم مانندی که از بدن برخی حشرات به ویژه *laccifer lacca* می‌تراود و از آن لاک الکل و غیره می‌سازند.

۹- مترجم: منظور مومی که در جهت مهر و موم استفاده می‌شد، است.

۱۰- مترجم: Stephen Dale مورخ اسلامی است، تخصص او در تدریس واحدهایی در زمینه‌ی جهان اسلام در شرق، به خصوص در هند، افغانستان، ایران و آسیای مرکزی

تجارت آزاد خارجی وجود داشت را داشته باشند، لذت داشت، در حالی که شاه عباس کاپیتالیسم دولتیو بازاربست گرای^۱ به سبک ایرانی برای تولید و توسعه‌ی بیشتر برای وضعیت اقتصادی آسیب پذیر قلمروی خود، تأسیس کرد.^۲ حائز اهمیت است خاطر نشان کنیم که، در هر حال آغاز و پایان میزان تأثیر اقتصادی ایران در دوره‌ی صفویه با سلطنت شاه عباس نبود. گرچه این مسئله که در طول دوران سلطنت او، امپراطوری به نهایت غایت خود رسید، می‌تواند مورد بحث واقع شود. در ایران عصر صفویه، در رابطه با "شرایط اقتصادی آسیب پذیرتر"، صفوی‌ها سازمان دهی "کسری بودجه‌اش را با شبه قاره‌ی هند که در جایگاه مخالف موقعیت کشور قرار داشت، در مقابل امپراطوری عثمانی و روسیه"^۳ را فراهم کردند. این، به دلیل سیاست کلاهدراری اقتصادی ایراندر عصر صفوی بود که رشدی اقتصادی را با بهره برداری از موقعیت جغرافیایی و تاکید بر مبادلات و نه تولیدات کالا، به استثنای ابریشم، آغاز کرده بود. بنابراین، ایران در عصر صفوی، کالای قابل صدوری در عوض کالاهایی که از شبه قاره‌ی هند وارد می‌کرد، تولید نکرد. پیامد اصلی این سیستم، در صادرات انبوه شمش‌های طلا و نقره، که از راه تجارت ابریشم با غرب شبه قاره‌ی هند که به قصد ایجاد تعادل در کسری بودجه‌ی خود انجام می‌شد، نتیجه داشت.



تصویر شماره‌ی دو: مسیر تجارت آسیای مرکزی

مبادله‌ی شمش‌های طلا و نقره، میان صفوی‌ها و امپراطوری مغول‌ها محرک‌های پیچیده‌ای را از مبادلات اقتصادی دوره‌ی صفویه، به تصویر می‌کشد. در زمینه‌ی مبادله‌ی شمش‌های طلا و نقره‌ی غربی و ابریشم شرقی، نه شمش‌های طلا و نقره‌ی وارداتی، و نه تمامی

۱- مترجم: بازاربست گرای (مشهور به سوداگرایی) یا مرکانتیلیسم (به فرانسوی: Mercantilisme) دیدگاهی است که در آن، هماهنگی راهبردی و همسویی سودها میان سوداگران سوداگران و کارداران فرمانروایی شکل می‌گیرد.

2- Stephen Dale, *Indian Merchants and Eurasian Trade, 1600-1750* (Cambridge, UK: The Press Syndicate of the University of Cambridge, 1994), 32, accessed October 24, 2016,

https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=GqEWw_54uVUC&oi=fnd&pg=PR9&dq=kandahar+trade+safavid&ots=WtYlhmZS18&sig=P1AGTY9YIIIdCYH_Om_T9shaHB90#v=onepage&q=kandahar%20trade%20safavid&f=false.

3- Mathee, "Between Venice," 229.

ابریشم‌های صادر شده، در اصل برای ایران نبودند. برخی از خاستگاه‌های ابریشم در شرق و خاستگاه شمش‌های طلا و نقره در غرب قرار داشت. بر پایه‌ی تعریفی از مبادلات اقتصادی، اکثر کالاهای مذکور، هیچ‌گاه به طور کامل اقتصاد داخلی ایران در عصر صفویه را فرا نگرفت. این پدیده می‌تواند هنگام بررسی محرک‌هاییکه مبادلات شمش‌های طلا و نقره‌ی غربی، برای تعداد کثیر ادویه‌ها، منسوجات و خدمات وارداتی از هند، در برمی‌گردند، دوباره بررسی شود. بخش عمده‌ای از این موارد همچنین مصارف داخلی را در برنمی‌گیرد. در عوض، برای ایجاد تعادل در کسری بودجه‌ای که قبلاً ذکر شد و کالاهای وارد شده از هند که برای به دست آوردن طلا در جهت تلاش برای تسهیل متعادل کردن کسری بودجه به سمت غرب فرستاده می‌شد، طلا به هند صادر می‌شد.

بخش سوم

پس از ایجاد مبادلات اقتصادی در دوره‌ی صفویه که در حقیقت نقش مهمی در طول دوره‌ی حساس توسعه‌ی اقتصاد جهانی ایفا کرد، حالا می‌توانیم استدلال‌های مبادلات کالاها و خدمات ایران در شرق غرب را از نمایی نزدیک تر بررسی کنیم. بخش جدا نشدنی ایجاد تجارت سودبخش در قلمروی صفویه، در زمینه‌ی خلق محیطی خوشایند و آزاد برای اداره‌ی معاملات تجاری، مرکزیت دارد. در موقعیت جغرافیایی معین شده‌ی ایران، بسیاری از معاملات، که در واقع کالاهای ارسالی شرق و غرب بود، انجام می‌شد. برقراری نظام کاروانسرای دقیق یکی از راه‌های ترویج فرصت‌های تجاری در مرزها، در ایران عصر صفوی بود. کاروانسراها شبیه به هتل‌ها بودند. کاروانسراها اغلب در مسیر رفت و آمد مکرر بازرگانان مسافر بودند و به سرعت به جایگاهی اساسی برای فعالیت‌های بازرگانی پر سود آن بازرگانان تبدیل شدند.^۱ با توجه به راه‌های تجاری معروف، کاروانسراها نیز می‌توانستند در مسیر سفرهای زیارتی قرار داشته باشند و خیلی زود به جایگاهی مشابه با، بازارهای بزرگ مراکز شهری ایرانیان تبدیل شوند.^۲ بسیاری از این راه‌ها از امپراطوری اصفهان می‌گذشتند. در دوره‌ی سلطنت شاه عباس، اصفهان به پایتخت بی رقیب ایران در عصر صفوی و یکی از مراکز بزرگ اقتصادی در تمامی خاورمیانه تبدیل شد. این نکته ای است، که بر پایه‌ی آمار عظیم جمعیت اصفهان به تأیید رسیده است. پژوهشگر فرانسوی ژان شاردن^۳، کسی که وقتش را در طول قرن هفدهم در اصفهان گذراند، جمعیتی بالغ بر ۵۰۰۰ نفر که در این شهر زندگی می‌کردند را تخمین می‌زند.^۴ از این گذشته، ژان دیتیونو^۵ در سال ۱۶۶۰، تخمین زد که شمار بازرگانان هندی در اصفهان، به ۱۵۰۰۰ نفر رسیده است.^۶ روشن است که اصفهان، به قطب تجاری کالاها و خدماتی که به سمت راه‌های تجاری آسیای مرکزی فرستاده می‌شدند، تبدیل شد. کماکان که کالاها و سرویس‌ها و فلزات، اقتصاد عصر صفویه را فرا گرفته بود، بسیاری از آن به نقاط دیگر صادر می‌شدند. حضور خدمات کاروانسراها ادعایی دیگر را در زمینه‌ی ادامه‌ی جریان کالاها و خدمات در دوره‌ی ایران عصر صفوی بیان می‌کند.

1- Derek Bryce, Kevin D. O'Gorman, and Ian W.F. Baxter, "Commerce, Empire and Faith in Safavid Iran: the Caravanserai of Isfahan," *International Journal of Contemporary Hospitality Management* 25, no. 2 (2013): 205, accessed September 7, 2016, doi:10.1108/09596111311301603.

2- Bryce, O'Gorman, and Baxter, "Commerce, Empire," 205.

۳- مترجم: ژان شاردن (Jean Chardin) (۱۶ نوامبر ۱۶۴۳-۵ ژانویه ۱۷۱۳) جواهر فروش و جهانگرد فرانسوی بود که کتاب ۱۰ جلدی «سفرهای سیر ژان شاردن» به عنوان یکی از بهترین کارهای پژوهشگران غربی درباره‌ی ایران و خاور نزدیک برشمرده می‌شود. این کتاب برای اولین بار در ایران با نام «سیاحتنامه شاردن» با ترجمه محمد عباسی توسط موسسه‌ی مطبوعاتی امیر کبیر در سال ۱۳۳۵ منتشر شده است.

4- Dale, *Indian Merchants*, 9.

۵ مترجم: Jean de The venot گردشگر فرانسوی بود که به سمت شرق سفر می‌کرد.

6- Scott C. Levi, "India xiii. Indo-Iranian Commercial Relations," *iranicaonline.org*, last modified 2012, accessed September 7, 2016, <http://www.iranicaonline.org/articles/india-xiii-indo-iranian-commercial-relations>.



تصویر شماره‌ی سه: کاروانسرای مرنجاب در زمان حال - کاشان-ایران

با توجه به کاروانسراها، بخش بنیادی مبادلات اقتصادی ایران، شبکه‌ی گسترده راه‌های تجاری ای که توسط بازرگانان برای حمل و نقل کالاها و خدمات، در داخل و خارج کشور استفاده می‌شد، بود. حمل و نقل کالاها و خدمات، راه‌های زمینی و دریایی و دیگر راه‌های بیشتر شناخته شده را می‌طلبید. برای مثال، راه‌های تجاری دریایی از بندرعباس تا سورات^۱ برای تجارت با میزان گسترده‌ی فلزهای قیمتی میان صفوی‌ها و امپراطوری مغول‌ها در نظر گرفته شده بود.^۲ می‌توان استدلال کرد که، اهمیت متمایل شدن قندهار به سمت جنوب، به دلیل روابط تجاری از طریق راه‌های دریایی، بود. در حالیکه به طور نسبی می‌توان استدلال کرد که تأثیر متمایل شدن کابل به سمت شمال نیز به دلیل مجاورت با راه‌های تجارت ابریشم از راه زمینی بود که به "راه ابریشم" مشهور شد. در زمینه‌ی فراهم کردن توافقی همه جانبه به عنوان مبحثی درباره‌ی آنچه که چگونه کاروان‌ها در میان آسیای جنوبی، مرکزی و غربی، سفر می‌کردند، ما راه‌های تجاری قندهار-اصفهان و حوزه‌ی بلخ در افغانستان نوین، موشکافی می‌کنیم.

پرتال جامع علوم انسانی
روستگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- مترجم: شهری در هندوستان-

2- Mathee, "Between Venice," 233.



تصویر شماره‌ی چهار: راه‌های کلیدی تجاری و مناطق کلان شهر (۱. اصفهان ۲. شیراز ۳. هرمز ۴. هرات ۵. قندهار ۶. هرات ۷. کابل ۸. پشاور ۹. لاهور)

در حین بحث درباره‌ی راه قندهار-اصفهان، مهم است خاطر نشان کنیم که در واقع این راه در لاهور آغاز شد، و نه قندهار. هر چند که، مسیر جاده‌ای لاهور به قندهار بسیار شناخته شده است. در عوض، ما تمرکزمان را بر راهی که از قندهار شروع می‌شود، می‌گذاریم. ۱۰ به گفته‌ی ویلم فلور^۲ و ادموند هرزیگ^۳ "قندهار، منبع درآمد بسیار مهم برای ایران بود، و همچنین این اهمیت نیز می‌تواند توضیحی برای کشمکش‌های متناوب نظامی، میان مغول‌ها و صفوی‌ها در زمینه آنکه چه کسی باید کنترل شهر را به دست بگیرد، باشد."^۴ "ه نقل از، ریچارد استیل^۵ و جان کروتر^۶، دو شرکت بازرگانی بریتانیایی در شرق هندوستان در سال ۱۶۱۴: "بازرگانان هندی در لاهور گردهم آمده بودند و بخش عظیمی از پول‌های خود را در کالاها سرمایه‌گذاری کرده بودند، و خودشان به کاروان‌هایی برای رد شدن از کوهستان‌های قندهار به سمت ایران ملحق می‌شدند. راهی که در اصل برای رد شدن و زاده و یا چهارده

1 - Willem Floor and Edmund Herzig, eds., *Arduous Travelling: The Qandahar-Isfahan Highway in the Seventeenth Century* (London: I.B.Tauris, 2012), 208, accessed September 7, 2016,

https://books.google.com/books?id=HZNpBgAAQBAJ&pg=PA207&lpg=PA207&dq=arduous+travelling:+the+qandahar+isfahan+highway+willem+floor&source=bl&ots=Hc57cy5JdM&sig=InNZgwg9CXrU9g3kvzVXb_4LT4&hl=en&sa=X&ved=0ahUKEwjHx9e71_3OAhXImR4KHcj3CS8Q6AEIHDA#v=onepage&q=arduous%20travelling%3A%20the%20qandahar%20isfahan%20highway%20willem%20floor&f=false

۲- مترجم: ویلم فلور (Willem Floor) (زاده ۱۹۴۲) کارشناس انرژی و پژوهنده تاریخ اهل هلند است.

۳- مترجم: Edmund Martin Herzig، پروفیسور، مورخ و نویسنده بریتانیایی.

4 - Floor and Herzig, *Arduous Travelling*, 209.

5- Richard Steel

6 -John Crowther

هزار شتر باربر، که پیش از آن به ندرت برای رد شدن سه هزار شتر استفاده می‌شد، و بقیه‌ی آن‌ها باید از طریق جاده و یا شهر اورمیوس^۱ گذر می‌کردند، تعریف شده بود.^۲ از این رو، می‌توانیم استنباط کنیم که بازرگانان هندی از شتر به عنوان شگردی برای حمل و نقل شمار عظیم کالاها و خدمات از راه قندهار-اصفهان، استفاده می‌کردند. بعضی از این کاروان‌های شتر، از راه فرعی از سمت هرمز نو استفاده می‌کردند. برای مغول‌ها بخش عظیم روابط تجاری‌شان با ایران، در لاهور آغاز می‌شد و پایان می‌افت. هرچند این قضیه نباید اهمیت بقیه‌ی راه‌ها که از قندهار تا اصفهان، کشیده شده بودند را، به خصوص در ایران عصر صفوی، کم نشان دهد. بازرگانان برای انتخاب راه زمینی و با راه دریایی آزاد بودند. در حقیقت بسته به موقعیت مکانی شخص، تفاوت قیمت میان دو راه آبی و زمینی قابل مقایسه بود.^۳ بسیاری راه دریایی را انتخاب می‌کردند، اما افرادی که راه زمینی را برمی‌گزیدند، بیشتر مواقع در تلاش بودند تا به در مسیرشان به سمت مقصدیکه داشتند، سود خودشان را زیادتر کنند.^۴ این بازرگانان که از راه خشکی کار می‌کردند، تجارتشان را از طریق بسیاری از کاروانسراهایی که پیش‌تر ذکر شد، هدایت می‌کردند. با گذر زمان، به لطف قوای نظامی شرکت‌های تجاری خارجی، خوشبختانه راه‌های زمینی امن‌تر شدند. نمونه‌ی برجسته‌ی این مسئله را می‌توان در مبادلات تجاری که در نتیجه‌ی خصومت میان ایرانیان و پرتغالی‌ها اتفاق افتاد، مشاهده کرد.^۵ استیل و کروتر، هنگام گذر کردن از قندهار در مسیرشان از سمت هند به سوی ایران، گزارش کردند که "پیش از شروع این خصومت‌ها، تقریباً سال ۱۶۱۴، سالانه، بیش از ۳۰۰۰ شتر در راه تجاری قندهار - ایران تردد نمی‌کردند همچنین بعد از آن سال، تعداد آن‌ها به ۱۲۰۰۰ و حتی ۱۴۰۰۰ عدد، افزایش یافت.^۶ علاوه بر این، استیل و کروتر تخمین زدند که "ارزش بار هر شتر ۱۲۰ الی ۱۳۰ روپیه بود، پس ارزش کل تجارت آن سال، تقریباً به ۱.۴ الی ۱.۸ میلیون روپیه (۱۶ الی ۱۸ تن هزار کیلویی نقره) می‌رسید.^۷ هنگامی که کشمکش میان مغول‌ها و صفوی‌ها از اختیار قندهار خارج شد، این مسئله به بی‌ثباتی امنیت راه‌های زمینی کمک کرد. بنابراین سود بیشتری در راه‌های دریایی ایجاد شد.^۸ همچنین، بر اساس آمار دسته اول از انداز‌های کاروان شترهایی که از راه قندهار - اصفهان عبور می‌کردند، مقدار کل سرمایه‌ای که میان آن کاروان‌ها مبادله می‌شد و نزاع همیشگی در جهت به دست گرفتن نظارت بر قندهار، بدون شک راه‌های تجاری زمینی، بخش حیاتی روابط مغول‌ها-صفوی‌ها و مهم‌تر از آن مبادلات اقتصادی ایران در عصر صفوی، بودند. در آخر به آمار مونت استوارت الفنستون^۹ که از پادشاهی کابل خبر می‌داد، بر می‌گردیم، تا مشاهدات او را از راه تجاری متناوب میان هندوها و ایرانیان از طریق استان بلخ در روزگار نوین افغانستان، بررسی کنیم، قطعاً آن راه تجاری که از میان بلخ و ایران می‌گذشت، پیش از زمانی که آمار الفنستون که پس از سقوط امپراطوری صفوی‌ها در حال نگارش بود، نیز وجود داشته است. علاوه بر این، به دلیل آن که آمار دقیق کمی از راه‌های تجاری مانند این ناحیه در دنیا وجود دارد، این مسئله در محدوده‌ی بررسی‌های این مقاله، نمی‌گنجد. به نقل از الفنستون، محدوده‌ی بلخ،

۱- مترجم: پادشاهی اورمیوس، پادشاهی ای بود که از قرن دهم تا قرن هفدهم، در میان خلیج فارس و در امتداد تنگه‌ی هرمز واقع شده بود.

2- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 209.

3- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 211.

4- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 211.

5- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 211.

6- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 211.

7- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 211.

8- Floor and Herzig, Arduous Travelling, 211.

۹- مونت استوارت الفنستون (Mountstuart Elphinstone); ۶ اکتبر ۱۷۷۹ - ۲۰ نوامبر ۱۸۵۹ (۱۸۵۹-۱۱-۲۰)) سیاستمدار و مورخ اهل پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند بود. او بعدها فرماندار بمبئی هند شد و در آن چندین مؤسسه آموزشی برای مردم هند تأسیس کرد.



که با رنگ زرد در پایین (تصویر شماره‌ی پنج) مشخص شده است، "دره‌های میان هندوکش و رود آمو دریا" را فرا گرفته است. بلخ استانی بسیار مهم بود که بسیاری از مناطق شمالی هندوکش، و به گفته‌ی الفنتون استانی که جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر داشت^۲ را شامل می‌شد. آرش خازنی^۳، مورخ، اظهار می‌کند "گذرگاه بلخ، در نقطه‌ی فوقانی پشته‌های برفی هندوکش، راه‌های ارتباطی تجاری افغانستان و اوراسیا بود." که می‌توان آن را در پایین که با رنگ قرمز مشخص شده است، مشاهده کرد.



تصویر شماره‌ی پنج: راه‌های تجاری بلخ و محدوده‌ی آن

الفنتون مشاهده کرد که قبایل چادرنشین چوپان، نقش اصلی را در این تجارت به عنوان "واسطه‌هایی برای حمل کالاها و تأمین کنندگان دام" ایفا می‌کنند. دام‌های خاصی که به اینجا برگردانده شدند جزو "اسب‌هایی با نژاد قوی و فعال" هستند، که بلخ، مرکز تجارت اسب اوراسیا است، به واسطه‌ی آن مشهور شد.^۴ الفنتون خاطر نشان کرد، که این اسب‌ها با "شمار قابل توجهی"، صادر می‌شدند. این مسئله می‌تواند در نمایشگاه‌های هند و یا "ملاها"^۵، جایی که اسب‌هایی از نژاد ترکی و ترکمن از بخش شمالی هندوکش و اطراف بلخ، وارد می‌شدند^۶، مشاهده کرد. با این وجود، به نقل از جوس گمنز^۷ این اسب‌ها "ابتدا، در بازارهای محلی بلخ، بخارا و هرات فروخته می‌شدند.

1- Arash Khazeni, "The City of Balkh and the Central Eurasian Caravan Trade in the Early Nineteenth Century," *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* 30, no. 3 (2010): 468, accessed October 24, 2016, <http://cssaame.dukejournals.org/content/30/3/463.abstract>.

2- Khazeni, "The City," 468.

۳ - آرش خازنی: مورخ در زمینه‌های تاریخ دوره‌ی مدرن، استعمار در خاور میانه، آسیای جنوبی و اقیانوس هند است.

4- Khazeni, "The City," 468.

5- Khazeni, "The City," 468.

6 - melas

7- Jos Gommans, "The Horse Trade in Eighteenth-Century South Asia," *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 37, no. 3 (1994): 230, accessed February 11, 2017, <https://www.jstor.org/stable/pdf/3632257.pdf>.

که بعدها، هر کدام به محل عرضه کالا برای بازارهای کوچک ایرانی تبدیل شدند.^۲ "همچنین در ادامه، الفنسنتون در جهت حمایت از این ادعا بر این مسئله تاکید می‌کند، که بهترین اسب‌هایی که در افغانستان وجود داشتند در اصل برای ترکستان، شمال کابل و قندهار بودند، و آن جزئیاتی که در رابطه با نژادهای مختلف و قیمت آنان، که باید خریداری شوند، را می‌توان در بلخ پیدا کرد.^۳ در نهایت، با توجه به آنچه که پیش تر از این ذکر شد، تجارتی مازاد میان مغول‌های هندی و ایران در عصر صفوی، وجود داشت. فقط سه نوع کالا بود که ایران می‌توانست برای جبران کمبودها، پیشنهاد دهد. در مورد دو نوع از آن‌ها، یعنی طلا و ابریشم، پیش از این بحث کردیم. کالای بسیار با ارزش دیگر، اسب‌ها هستند. استفن دیل اظهار می‌دارد، ایران و توران، منظور سرزمین تور^۴ است، و یا آسیای مرکزی در عصر نوین،^۵ شمار زیادی اسب را که فرمانروایان مغول، فرماندهان سوارکارانی که بر اسب‌های ارزشمند سوار می‌شدند، پرورش دادند.^۶ این اسب‌ها از طریق راه‌های تجاری زمینی، مانند راه قندهار - اصفهان و با گذشتن از استان‌هایی مانند بلخ در طول مسیر خود، به سمت هندوستان حرکت می‌کردند. بنابراین، بسیاری مانند تجارت فلزهای گرانبها و ابریشم، تجارت چهارپایان در ایران دوره صفوی، با استفاده از راه‌های تجاری آسیای مرکزی که در جهت تقویت تأثیر ایران به عنوان بازیگر اصلی در این اقتصاد جهانی در حال رشد به کار رفت، بود.

نتیجه‌گیری

چندین عامل اصلی که در ارزیابی دخیل هستند، در عین حال مبادلات اقتصادی ایران در دوره صفوی، نقش بسیار با ارزشی در طول توسعه اقتصاد جهانی تازه شکل گرفته، ایفا کرد. در ابتدا بسیار مهم است که خاطر نشان کنیم، در زمانی که اقتصاد ایران در عصر صفوی، که امکان داشت به دلیل اندازه‌ی کوچکش بسیار ناچیز به نظر برسد، پس از بررسی دقیق‌تر، روشن است که میزان فعالیت‌های بازرگانی که در مرزها اتفاق می‌افتاد، به طرز شگفت‌آوری زیاد، و شاید به همان اندازه‌ی ایالات بزرگ‌تر در آن زمان، دارای تنوع بود.^۶ علاوه بر این، فعالیت‌های اقتصادی فراوان کهاز موقعیت جغرافیایی ایران که میان شرق پر تولید و غرب گرسنه‌ی مصرف کننده قرار داشت، استفاده می‌کردند را شفاف سازی کرد. علاوه بر این روابط پیچیده‌ی ایران در عصر صفوی با مغول‌های هندبنیان گذار پایه و اساسی برای بعضی از مهم‌ترین راه‌های تجاری در تمام آسیا، بود. در مجموع بدون مرکانتیلیسم^۷ مبادلات اقتصادی صفوی‌ها، با ترویج جریان کالاها و خدمات از شرق به سمت غرب و بالعکس، رشدی که اقتصاد جهانی در طول قرن هفدهم تجربه کرد، می‌توانست شدیداً بهت آور باشد. به همین دلیل، نقشی که اقتصاد ایران در طول دوره صفویه ایفا کرد، برای پایه گذاری اقتصاد نوین جهانی به گونه‌ای که آن را می‌شناسیم، ضروری بود.

۱- مترجم: (Jos Gommans) محقق و مورخ هلندی در زمینه‌های: تاریخ جهانی، تاریخ استعماری، تاریخ اوایل مدرن، اقیانوس هند، هندوستان مغول، امپراطوری‌های اسلامی مدرن، اسلام جنوب آسیا، تاریخ نظامی، تاریخ جهانی سازی، تاریخ روشنفکری و شرق شناسی.

2- Gommans, "The Horse," 230.

3 -Khazeni, "The City," 468.

4 -Tur

5 -Dale, "Indian Merchants," 25.

6 -Mathee, "The Safavid," 31, 34, 35.

۷- مترجم: مرکانتیلیسم (mercantilism) یا مکتب سوداگری فلسفه‌ای فرهنگی و اقتصادی بود که نظراتی در مورد تجارت بین‌الملل ارائه کرد. این دیدگاه در قرون شانزدهم و هفدهم در اروپا رواج داشت و ذخایر طلا و نقره را به‌عنوان پایه ثروت ملی و عاملی تعیین‌کننده در برقراری مبادلات خارجی کشورها می‌دانست.



پرتال جامع علوم انسانی

- Alam, Muzzafar. "Trade, State Policy and Regional Change: Aspects of Mughal-Uzbek Commercial Relations, C. 1550-1750." *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 37, no. 3 (1994): 202-27. Accessed October 12, 2016.
- Aslanian, Sebouh David. *From the Indian Ocean to the Mediterranean: The Global Trade Networks of Armenian Merchants from New Julfa*. Berkeley: University of California Press, 2011. Accessed March 30, 2017.
- Bryce, Derek, Kevin D. O'Gorman, and Ian W.F. Baxter. "Commerce, Empire and Faith in Safavid Iran: The Caravanserai of Isfahan." *International Journal of Contemporary Hospitality Management* 25, no. 2 (2013): 204-26. Accessed September 7, 2016.
- Dale, Stephen. "Empires and Emporia: Palace, Mosque, Market, and Tomb in Istanbul, Isfahan, Agra, and Delhi." *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 53, nos. 1-2 (2010): 212-29. Accessed October 24, 2016.
- Indian Merchants and Eurasian Trade, 1600- 1750*. Cambridge, UK: The Press Syndicate of the University of Cambridge, 1994. Accessed October 24, 2016.
- Emerson, John. "Sir John Chardin." iranicaonline.org. Last modified October, 2011. Accessed February 11, 2017.
- Ferneer, Tadd Graham. "Modernity and Nation-making in India, Turkey and Iran." *International Journal of Asian Studies* 9, no. 1 (2012): 71-97. Accessed October 24, 2016.
- Floor, Willem, and Edmund Herzig, eds. *Arduous Travelling: The Qandahar-Isfahan Highway in the Seventeenth Century*. London: I.B.Tauris, 2012. Accessed September 7, 2016.
- Gommans, Jos. "The Horse Trade in Eighteenth-Century South Asia." *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 37, no. 3 (1994): 228-50. Accessed February 11, 2017.
- Ikram, S. M., Frances W. Pritchett, and Barbara Metcalf. "Muslim Civilization in India - Part Two: The Mughal Period, Chapter 17." In *Muslim Civilization in India*, edited by Ainslie T. Embree. New York: Columbia University Press, 1964. Accessed March 30, 2017.
- Keddie, Nikki, and Rudi Mathee, eds. *Iran and the Surrounding World: Interactions in Culture and Cultural Politics*. Seattle: University of Washington Press, 2002. Accessed October 12, 2016.
- Khazeni, Arash. "The City of Balkh and the Central Eurasian Caravan Trade in the Early Nineteenth Century." *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* 30, no. 3 (2010): 463-72. Accessed October 24, 2016.
- Lambourn, Elizabeth. "Of Jewels and Horses: The Career and Patronage of an Iranian Merchant under Shah Jahan." *Iranian Studies* 36, no. 2 (2003): 213-48. Accessed October 24, 2016.



Levi, Scott C. "India xiii. Indo-Iranian Commercial Relations." iranicaonline.org. Last modified March, 2012. Accessed September 7, 2016.

Mathee, Rudi. "Between Venice and Surat: The Trade in Gold in Late Safavid Iran." *Modern Asian Studies* 34, no. 1 (February 2000): 223-58. Accessed October 12, 2016.

"Merchants in Safavid Iran: Participants and Perceptions." *Journal of EarlyModern History* 4, nos. 3-4 (2000): 233-68. Accessed October 24, 2016.

"The Safavid Economy as Part of the World Economy." In *Iran and the World in the Safavid Age*, edited by Willem Floor and Edmund Herzig, 31-47. London: I.B. Tauris, 2012. Accessed September 7, 2016.

Perry-Castañeda Library Map Collection. *Medieval Commerce (Asia)*. Map. New York: Henry Holt and Company, 1926. Accessed February 8, 2017.

Steinmann, Linda K. "Shah 'Abbas and the Royal Silk Trade 1599-1629." *Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies)* 14, no. 1 (1987): 68-74. Accessed February 11, 2017. <https://www.jstor.org/stable/pdf/194456.pdf>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی